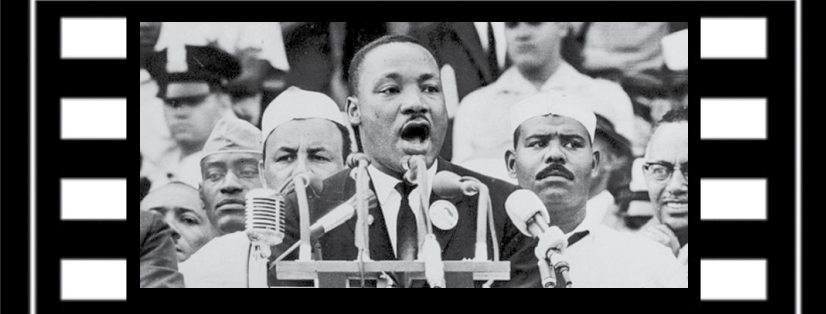




جمال شورهجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی(فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی پور(فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شخ‌نادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | حسین یاری(بازیگر) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی ققیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز) | سلحشور(فیلمساز) | هادی محمدیان(بونا نا) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

تصویرروز- جشنواره فیلم عمار در حالی به هشتمین دوره خود رسیده که این جشنواره امسال به مسائل روز اجتماعی و سیاسی کشورمان بیش از گذشته توجه می‌کند. علاوه بر جریان مقاومت در برابر داعش و مدافعان حرم، آنچه در این دوره از جشنواره عمار قابل توجه خواهد بود نمایش فیلم‌هایی درباره معضلات اجتماعی و اقتصادی و همچنین رنج‌های مستضعفان است. در این گزارش، که طی هفته‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت، به برخی از این آثار می‌پردازیم.



با فیلم‌ها و فیلمسازهای هشتمین جشنواره عمار

روایت‌هایی از روستاهای بلوچستان تا دیوار چین و نژادپرستی در آمریکا

معضل بیکاری، بهانه‌ای برای یک مقایسه اقتصادی

«کارخانه جهان» یکی از فیلم‌های مستند این دوره از جشنواره عمار است که به مسائل معیشتی و چالش‌های اقتصادی کشور می‌پردازد. این مستند با روایت وضعیت یک کارگر آغاز می‌شود. کارگری که می‌گوید «فرزند دارم و ماهی ۸۷۰ هزار تومان درآمد من است» و عامل اصلی او ورشکست شدن کارگاهش به خاطر ورود کالا‌های چینی به ایران است. ادامه و با حضور محمد دل‌اوری، میان اقتصاد چین و ایران مقایسه‌هایی صورت می‌گیرد. مسئله اصلی مستند «کارخانه جهان» این است که «چطور ممکن است که نرخ بیکاری در کشوری با بیش از یک میلیارد جمعیت از ایران ۸۰ میلیون کمتر باشد؟» دل‌اوری با سفر به چین به بررسی شرایط اقتصادی آن کشور در مصاحبه با مردم می‌پردازد.



مصطفی رمضان‌خانی کارگردان مستند «کارخانه جهان» درباره هدفش از این مقایسه، در یک برنامه تلویزیونی گفته بود: «می‌خواستیم بگوییم که شرایط رفاهی ما بهتر از چینی‌هاست چون ما نفت داریم. غالب مردم چین، اصلاً چیزی به نام تفریح ندارند و حتی در روزهای تعطیل هم کار می‌کنند. اما آنها چون نفت ندارند با سخت‌کوشی و ایجاد شرایط اقتصادی توانست‌اند به پیشرفت‌هایی دست یابند.»

یک قصه از بلوچستان

یکی از ویژگی‌های فیلم‌های جشنواره عمار، نمایش بی‌واسطه زندگی مردم عادی است. در مستند «فرزند ایران» نیز پرداختن به سوژه فیلم، یعنی شهید مدافع حرم اهل سنت، عمر ملازهی، با مسروری بر زندگی و وضعیت مردم شهر و محله زندگی او در سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود. حتی بخش‌هایی از جغرافیا، آداب و رسوم و جلوه‌های فرهنگی مردم در این خطه از جنوب شرق ایران به تصویر کشیده شده است. موضوعی که متأسفانه رسانه‌های ما کمتر به آن

توجه کرده‌اند و حتی یکی از دوستان این شهید در مستند بازگو می‌کند که «کم لطفی رسانه‌ها در نمایش برادری شیعه و سنی در بلوچستان، انتقادآمیز است.»

عارف جعفری چگینی، کارگردان این مستند «فرزند ایران» درباره تولید این فیلم گفت: توجه کرده‌اند و حتی یکی از دوستان این شهید در مستند بازگو می‌کند که «کم لطفی رسانه‌ها در نمایش برادری شیعه و سنی در بلوچستان، انتقادآمیز است.»

که در کنار پرداختن به زندگی شهید ملازهی به وضعیت نامطلوب مردم آن منطقه هم بپردازیم. کارگردان «فرزند ایران» درباره اهمیت پرداختن به یک شهید مدافع حرم اهل سنت اظهار کرد: شاید گفتن این حرف تکراری باشد که ما سراغ این سوژه رفتیم تا بگوییم اهل سنت مردم بلوچستان باشیم.

یاسر فریادرس، تهیه‌کننده مستند «فرزند ایران» هم گفت: دو شهید بزرگوار اهل تسنن با نام‌های «مسلمان برجسته» و «عمر ملازهی» در سوره به شهادت رسیدند. ما دو مستند درباره این دو شهید ساختیم که یکی از آنها همین فیلم مستند است. این مستند در شهر نیکشهر سیستان و بلوچستان ساخته شد. هر چند که ساخت مستند در فصل تابستان و ماه مبارک رمضان انجام شد اما به خاطر اینکه خانواده شهید

موضوع پرداختیم.

هم پیرو گفتمان انقلاب اسلامی و مجاهدت برای این انقلاب هستیم. واقعیت هم جز این نیست، در فیلم هم می‌بینیم که مردم آن منطقه با اینکه مذهب متفاوتی دارند اما اساساً تعارضی با بقیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ندارند. اگر هم مردم آن دیار انتقاد یا ناراضی به داشته باشند، هیچ ارتباطی به سنی و شیعه بودن ندارد بلکه به مشکلات اقتصادی و محرومیت اقتصادی

برخی مسئولان مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند و همان طور که در مستند هم می‌بینید منطقه‌ای بسیار محروم است. حتی برخی از دوستان این شهید که جانباز هستند هنوز در گرفتن مدارک جانبازی مشکل دارند. برخی از مردم آنجا هنوز هم شناسنامه ندارند. اما با وجود همه این رنج‌ها، آنها پشتیبان نظام جمهوری اسلامی هستند و خود آنها بودند که باعث وحدت میان شیعه و سنی حول محور اهل بیت شدند.

روایتی از قربانیان نژادپرستی

یکی از آثاری که در هشتمین جشنواره عمار به نمایش در می‌آید، به نژادپرستی می‌پردازد. «رویایی دارم» مستندی درباره تجارت انسان است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «از دیرباز نژادپرستی انسان‌ها را هدف گرفته... جرایمی که خیلی از کشورها مانند آمریکا بنیانگذار این عمل بوده‌اند... سال‌ها گذشت تا مارتین لوتر کینگ جنبشی به راه انداخت تا پاسخ مناسبی به این عمل بدهد.»

این فیلم با کارگردانی مشترک داود جلیلی و سلیمان ابوطالبی ساخته شده است. فیلمی که تلفیقی است از تصاویر آرشیوی به جا مانده از تاریخ نژادپرستی با مصاحبه‌هایی از برخی سیاه‌پوست‌هایی که تجربه آسیب دیدن در نژادهای ضدنژادی را داشت‌اند.

داود جلیلی درباره اینکه چرا اسم این فیلم را «رویایی دارم» گذاشته‌اند گفت: مارتین لوتر کینگ یک سخنرانی معروفی دارد با همین نام که موضوع فیلم ما هم به آن می‌پردازد. وی درباره چگونگی رسیدن به ایده این مستند بیان کرد: ایده ساخت این مستند از دل یک فیلم دیگر با موضوع حقوق بشر با عنوان «۷۰ سال هوس» بیرون آمد. یکی از شاخصه‌های آن فیلم، تبعیض نژادی بود و ما تصمیم گرفتیم که به این مسئله در یک فیلم مستقل بپردازیم. جلیلی درباره تفاوت‌های این مستند با سایر آثار می‌گوید: «نژادپرستی و آزار سیاهان پرداخته‌اند اما ما در این فیلم سعی کردیم با خانواده‌های قربانی نژادپرستی صحبت کنیم.

وی تصریح کرد: در حوزه نژادپرستی به رغم آثار بسیاری که خلق شده اما باید درباره این موضوع کار کرد چون همچنان وضعیت جهان از لحاظ نژادی نگران‌کننده است. نژادپرستی یک موضوع انسانی است و هنرمندان باید به این موضوع هم گاهی سر بزنند و به زوایای مختلف آن بپردازند.

جلیلی درباره روش پیدا کردن رنگین پوست‌های قربانی نژادپرستی توضیح داد: تا این افراد طی دو سال یافته شدند و با آنها گفت و گو کردیم. ما از طریق رصد برنامه‌ها، همایش‌ها، جشنواره‌ها به این افراد دسترسی پیدا می‌کردیم. به این ترتیب که هر گاه یک رنگین پوست برای شرکت در یک برنامه به ایران سفر می‌کرد، ما با او ارتباط می‌گرفتیم و مصاحبه می‌کردیم. نکته جذاب این است که هر کدام از این افراد، خودشان به دلیل مطلب داشتند و وقتی با آنها روبرو می‌شدیم حرف‌های تأثیرگذاری می‌زدند و خیلی فیلم ما را تحت‌الشعاع قرار دادند.

به بهانه فیلم «انزوا»

سایه یک شک



فیلم «انزوا» با دستمایه قرار دادن موضوع «شک» در پی تقدیس نهاد خانواده است. اما فیلمساز چه راه و روشی را برای هدف خوب و بزرگ خود انتخاب کرده؟ مرضی علی عباس میرزایی، کارگردان فیلم «انزوا» برای نمایش دغدغه و حرفش در اولین فیلم بلند سینمایی خویش، به جای یک روش و تکنیک، مجموعه‌ای از ترندها را استفاده کرده است. به همین دلیل هم اولین ترند استفاده بخورد با «انزوا» است که تلاشی ساختار شکنانه برای نمایش مضمون شک و خیانت است که با افزوده شدن تم «غیرت» به نتیجه‌ای رهایی‌بخش از آرم‌کننده می‌رسد که همان ایمان خالص، پس از تردید است. اما افراط در استفاده از تکنیک‌ها و وسوسه‌های گوناگون باعث شده بخش‌هایی از فیلم با هدف این اثر در تضاد قرار گیرد. کارگردان سعی کرده تا متفاوت کار کند، اما این متفاوت نامی بیش از آنکه از مسیر ایده‌های بدیع و فرم جدید صورت بگیرد، از طریق گریم آوردن سبک‌ها و تجربیات دیگران اتفاق افتاده است. مهم‌ترین جذابیت و شاخصه «انزوا» ساختار منثور ماندنش است. رد و سایه‌ای از هر آنچه در سینمای ایران و جهان گذشته را می‌توان در آن دیدا

محور تماتیک فیلم جست‌وجو برای کشف حقیقت درباره یک زن است. یک مرد، نسبت به همسرش دچار شک و تردید است. همسری که از قید حیات رها شده و زنده نیست تا خودش توضیح بدهد و شکر درآید کند. تا اینجا «انزوا» شکل و شمایل یک تریلر ایرانی را دارد. یعنی مخاطب دچار این تصور می‌شود که در فضایی سنتی و وسط بازار و کوچه پس کوچه‌های جنوب شهر، یک درام جنایی و پر از گره و معما را تماشا خواهد کرد. اما مرد فیلم، به سبک قهرمان‌های آثار کیمیایی و «قیصرور»، در دل اجتماع خشمگین می‌زند. اما برخلاف قیصر، شک خودش را می‌کند و به ایمان می‌رسد.

بزرگترین مشکل «انزوا» این است نوع نگاه این فیلم به جامعه و انسان‌ها به فیلمسازی تمایل دارد. گویی فضاهای آدم‌ها از دور و قدیم به زمان حال سرایت کرده‌اند. همین هم باعث شده تا نوعی بی‌هویتی در شخصیت‌ها بروز پیدا کند.

پرس تی وی در جنگ نابرابر

دکتر محمدصادق کوشکی



اگر چه در گذشته‌ها هم شاهد حضور رسانه‌ها بودیم اما در دنیای امروز اگر ملتی رسانه نداشته باشد اقتدار هم ندارد. وجود یک ملت و نمایش وجود و تبلور حضورش به وجود رسانه بستگی دارد. رسانه یک مقوله مهم تلقی می‌شود و دستاوردهای ملت را به جهانیان عرضه می‌کند و بدیهی است که از ارکان یک کشور محسوب می‌شود و برای وجود و داشتن آن نباید دلیل آورد بلکه برای نداننداش باید به دنبال دلیل بود. بیان همین نکته در اثبات ضرورت ایجاد و تقویت شبکه‌های برون مرزی صدا و سیما همچون پرس تی وی، آ‌ی فیلم و همسپان کافی است. در واقع، شبکه‌های برون مرزی در وهله اول داشته و توانایی‌های یک جامعه بوده و در وهله دوم، راهی برای معرفی خود به دیگران و نشان‌دادن توانمندی‌ها و عرصه‌ای برای قدرت نرم محسوب می‌شوند. درباره نقش پرس تی وی در کاهش ایران هراسی باید گفت که نباید توقع زیادی از این شبکه خارج از حد مقدرات آن داشته باشیم. طبیعتاً رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران را نمایندگی می‌کند باید خیلی قدرتمندتر باشد و همچنین تأثیرگذارتر. متأسفانه شبکه پرس تی وی با محدودیت‌های زیادی مواجه است که مهم‌ترین آن نبود سینتال اختصاصی است. اگر پرس تی وی می‌توانست با ماهواره‌های ایرانی پخش شود، می‌توانست خیلی بیشتر از این‌ها نقش موثرتر خود را توسعه و ارتقا بخشد. هرچند با وجود همین امکانات موجود تلاش خود را کرده و نباید نقطه توقفی برایش قائل شد. از دیگر سو، جایگاه این رسانه‌ایجاب می‌کند که توقع بیشتری از این رسانه داشته و همچنین تشویق به کار بیشتر و جذاب‌تر کنیم تا هر روز تأثیرگذارتر از قبل شود.

در دنیای امروز که رقابت شدیدی بین رسانه‌ها حکم فرمات، قاعدتا شبکه‌ای مثل پرس تی وی که نه از امکانات مالی گسترده رسانه‌های رقیب برخوردار است و نه از امکانات فنی آنها، باید تمرکز خود را بر تولید محتوا و آن هم محتوای ناگفته بگذارد. یعنی به نوعی مخاطب را در دنیای شلوغ امروز خود کند و سخنگوی کسانی باشد که سخنگو ندارند. زیرا اگر شبکه‌های برون مرزی ما از حیث امکانات متکی به بودجه، وارد رقابت با رسانه‌های قدرتمند موجود شوند طبیعتاً است که وارد میدان رقابت نابرابری خواهند شد.

از همین رهگذر و بدین سبب است که نقش پرس تی وی در کم‌رنگ کردن سلطه شبکه‌های غربی و معاند نقشی غیرقابل انکار است. زیرا این شبکه تلاش خود را کرده و موثرترین شبکه در میان شبکه‌های برون مرزی در این زمینه بوده است. این شبکه در نشان دادن حقایق سیاسی و مظلومیت کشورهایی مانند یمن، سوریه، میانمار... در حد توان و مقدرات خود تلاش کرده است و این بر کسی پوشیده نیست. برای اینکه پرس تی وی به اهداف اصلی خود به طور کامل برسد باید کاستی‌ها را با خلاقیت بر کند، چرا که امکان توسعه از جهت امکانات فنی و دانشمندانه سینتال و بودجه بیشتری را - با توجه به شرایط نامساعد کنونی در مجموعه صداوسیما و کمبود بودجه مستقل - ندارد. لذا این شبکه باید با تزریق خلاقیت و تولید محتوای غنی از شبکه‌های رقیب عقب نماند و بیشتر مطرح شود و هر چند که این شبکه در حد امکاناتی که دارد نمره قبولی را می‌گیرد، اما توقع بر این است که حمایت شده و بهتر از این‌ها باشد.

کارشناس علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

جای خالی «زن آرمانی» در سینما

عاطفه صادقی

در انزوای برنامه‌ریزی بر اساس مفاهیم اسلامی و فکر ناب انقلابی، الگوهایی که در بسیاری از رسانه‌ها از بانوی امروزی ارائه می‌شود، نه تنها با مفاهیم سنتی و دینی جامعه ما مغایر است، بلکه کاملاً در جهت منتهی کردن منزلت و کرامت اجتماعی زنان با تکیه بر مفاهیم و آموزه‌های مشوش غربی است.

مشکل ما تعریف زن در پارادایم غرب نیست، مشکل در تفسیر الگوی غربی به کشورهای جهان اسلام و خصوصاً کشور ایران -به نام زن متدمن، پیشرو و مدرن است. الگویی که توسط سریال‌های سخیف و برنامه‌های اجتماعی شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مختلف هر روزه به شکلی بازتولید می‌شود و این همان نکته‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود.

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به کنگره هفت هزار بانوی شهید کشور در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۶، کلیدواژه «زن مسلمان ایرانی» را در مقابل تعاریف رایج از زن در شرق و غرب مطرح کردند:

«زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، مفید بود، محببه و شریف بود و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه‌داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی‌های جدید کرد و فدای مقدس، بزرگ بر ارمان آورد. زنانه که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مدرانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساخت رشد و تهذیب خویش، و در ساخت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، معرروف و ناپیشتاز و فرهنگ‌ساز و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را

به بهانه پخش مجموعه مستند «جورچین» از شبکه افق هشدار به فراموشی دنیای اسباب‌بازی‌ها

نوشته: «دنیای گسترده نگاه‌ها، نیازها و خواسته‌های کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها، نیازمند توجه، برنامه‌ریزی و برنامه سازی مناسب، هدفمند و سازنده است. به ویژه در این اوضاع فرهنگی که دشمنان و سوداگران داخلی با ورود رنگین و آهنگین؛ از دروازه‌های بدون در و پیکر آن و از بیره‌های ماهواره، فیلم و کتاب و انواع مد و لباس و لوازم آرایشی و تزئینی و شکل‌ها و شیوه‌ها و بازی‌های کامپیوتری و اینترنتی و انیمیشن‌های غربی، فرهنگ جامعه، مخصوص صفحه‌های سپید اذهان کودکان و نوجوانان را آماج برنامه‌های ضدفرهنگی قرارداده‌اند. در چنین شرایطی به همت یک نویسنده، پژوهشگر، منتقد و فیلمساز کارآزموده درجهت آسیب شناسی، هشدار به مسئولان و آگاهی خانواده‌ها، فیلم جذاب و خوش ساختی به نام «جورچین» ساخته شده است تا به سهم خود پاسدار ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی کشور باشد و راه را از چاه به مخاطبان کودک و نوجوان و خانواده‌ها و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری بنمایاند. ارزیابی بازار این گونه تولیدات و نواقص کار و بی‌توجهی مسئولان و ورود بی‌رویه بازی‌ها به هنرمندان و تولیدکنندگان بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های داخلی هم سخن به میان آمده است. این اثر شاخص سینمایی، به دلیل استقبال مخاطبان، برای چندمین بار و اکنون امید که «جورچین» با ایجاد تلنگر اجتماعی، مدیران فرهنگی، خانواده‌ها و دستگاه‌های فرهنگی هنری کشور و به ویژه دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان را درجهت پاسداری و اشاعه ارزش‌های ملی و دینی و تولید آثار شایسته هنری، بازی‌ها و وسائل مناسب فکری و هنری و فرهنگی به حرکت درآورد.»



«جورچین» عنوان یک فیلم مستند درباره آسیب شناسی بازار اسباب بازی‌ها در ایران. این مستند در قالب یک مجموعه پنج قسمتی پنجشنبه شب‌ها ساعت ۲۰ از شبکه افق درحال پخش است. آنچه سوژه این مستند قرار گرفته، یکی از میدان‌های مهم عرصه فرهنگی و تجاری کشورمان است که متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. محمد دیندار، کارگردان این فیلم تلاش کرده تا در بستر پژوهش به زیر و بم‌های این حوزه مهم از فرهنگ بپردازد. در این میان وی به سراغ هنرمندان کودک و نوجوان و سازندگان اسباب بازی‌ها هم رفته است. درحالی که در حالی‌بود برای «اسباب بازی» خیلی اهمیت قائل هستند و در اصل آن را اسباب استراتژیک و فتح افکار و فرهنگ‌ها می‌دانند و در این جهت، آثار مختلفی از جمله سلسله انیمیشن «داستان اسباب بازی‌ها» ساخته شده، اما در ایران این اولین فیلم با محوریت اسباب بازی است. اکبر عالمی، مدرس سینما در یادداشتی نوشته بود: «جورچین» در قرن بیست و یکم که کشورهای پیشرفته به بازی و سرگرمی بچه‌ها و نوجوانان از چندین و چند منظر فکر